

Handwritten text in Arabic script, likely a manuscript or a page from a book. The text is dense and covers the entire page, written in a cursive style. The ink is dark, and the background is light-colored, possibly parchment or paper. The text is arranged in horizontal lines, with some variations in line height and spacing, characteristic of traditional Arabic calligraphy. The script is a form of Maghrebi or Maghrebi-influenced Arabic, possibly from a North African or Andalusian source. The text appears to be a continuous passage, possibly a chapter or a section of a larger work. The overall appearance is that of an aged, well-preserved manuscript page.

انتشارات علمی و فرهنگی
ISBN: 978-600-121-794-4
9 786001 217944
۱۰۰۰۰۰ ریال

زبان‌های خارجی در گذر تاریخ ایران

(از آغاز تا امروز)

مهدی دهمرده

امیر نعمتی لیمائی

سیده ریحانه حسینی



۱۳۹۴

سرشناسه	دهمرده، مهدی، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	زبان‌های خارجی در گذر تاریخ ایران (از آغاز تا امروز)/ مهدی دهمرده، امیر نعمتی لیمائی، سیده ریحانه حسینی
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	دوازده، ۱۷۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۲۱-۷۹۴-۴
وضعیت فهرست‌نویسی	فیبا
یادداشت	کتابنامه
موضوع	زبان‌های باستانی - ایران.
موضوع	زبان - راهنمای آموزشی - ایران - تاریخ.
موضوع	مراکز آموزش زبان - ایران - تاریخ
موضوع	ایران - زبان‌ها - تاریخ
موضوع	ایران - زندگی فرهنگی
شناسه افزوده	نعمتی لیمائی، امیر، ۱۳۵۵ -
شناسه افزوده	حسینی، سیده ریحانه، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی
رده‌بندی کنگره	PIR ۵۶/۵۹۲ ۱۳۹۴
رده‌بندی دیوپی	۴۱۰/۰۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۴۰۰۸۷۲۵

زبان‌های خارجی در گذر تاریخ ایران (از آغاز تا امروز)

نویسندگان: مهدی دهمرده، امیر نعمتی لیمائی و سیده ریحانه حسینی

چاپ نخست: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

شرکت انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۴۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۲۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۵۴۴
www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
آدرس اینترنتی:

www.ketabgostar.com info@ketabgostar.com

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷ - ۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: جمهوری، چهارراه شیخ هادی، نیش رازی، پلاک ۶۹۹

فروشگاه چهار: بزرگراه شهید حقانی، بعد از ایستگاه مترو حقانی، خروجی کتابخانه ملی، کتابخانه ملی (نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب)

فروشگاه پنج: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نیش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

مقدمه.....نه

فصل یکم: زبان‌های خارجی در ایران باستان.....۱

زبان‌های خارجی در دوران پیش از هخامنشیان.....۱

زبان‌های خارجی در دوران هخامنشی.....۷

زبان‌های خارجی در دوران سلوکی و اشکانی.....۱۲

زبان‌های خارجی در دوران ساسانی.....۱۷

فصل دوم: زبان‌های خارجی در روزگار اسلامی (از ورود اسلام به ایران تا یورش

مغول).....۲۳

زبان‌های خارجی در دوران امویان و عباسیان.....۲۴

ایرانیان و نهضت شعوبیه.....۲۶

ایرانیان و نهضت ترجمه.....۲۹

زبان‌های خارجی در حد فاصل فرمانروایی طاهریان تا یورش مغول.....۳۱

توان‌یابی دوباره زبان فارسی.....۳۲

ادامه حیات زبان عربی.....۳۴

رواج نسبی زبان ترکی.....۳۶

فصل سوم: زبان‌های خارجی در روزگار مغول و تیموری ۳۹

زبان‌های خارجی در دوران ایلخانی ۴۰

زبان‌های خارجی در روزگار تیموری ۴۸

فصل چهارم: زبان‌های خارجی در روزگار صفوی، افشاری و زند ۵۵

زبان‌های خارجی در روزگار صفوی ۵۷

زبان‌های خارجی در روزگار افشاری و زند ۶۷

فصل پنجم: زبان‌های خارجی در روزگار قاجار ۷۱

اعزام دانشجو به اروپا، نخستین دلیل رواج زبان‌های اروپایی در ایران ۷۳

مبلغان مذهبی و تأسیس مدارس و مراکز آموزشی نوین، دومین دلیل رواج

زبان‌های اروپایی در ایران ۸۱

الف. مبلغان مذهبی ۸۲

ب. مدارس و مراکز آموزشی نوین ۸۵

نهضت ترجمه در عصر قاجار ۸۸

فصل ششم: زبان‌های خارجی در روزگار پهلوی ۹۵

تشدید روند اعزام دانشجویان به خارج، عاملی مؤثر در رواج زبان‌های غربی ۹۶

تأسیس دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی نوین، عامل مؤثر در رونق زبان‌های خارجی ۱۰۱

مدارس و نظارت دولت بر آن‌ها، عاملی مؤثر در رواج زبان‌های خارجی ۱۰۷

مؤسسات و انجمن‌های فرهنگی، عامل مؤثر در ترویج زبان‌های خارجی ۱۱۰

انجمن ایران و امریکا ۱۱۱

شورای فرهنگی بریتانیا ۱۱۳

انجمن روابط فرهنگی ایران و اتحاد جماهیر شوروی ۱۱۵

انستیتو گوته ۱۱۶

مؤسسه انتشارات فرانکلین ۱۱۷

مؤسسه شکوه ۱۱۷

فصل هفتم: زبان‌های خارجی در دوران جمهوری اسلامی ۱۱۹

عزیمت دانشجویان به خارج و گسترش تعداد دانشگاه‌ها، عاملی مؤثر در رواج

زبان‌های خارجی	۱۲۲
مدارس، عاملی مؤثر در ترویج زبان‌های انگلیسی و عربی	۱۲۶
مؤسسات خارجی، آموزشگاه‌ها و رسانه‌های نوین، دیگر عامل تأثیرگذار در ترویج	
زبان‌های خارجی	۱۲۹
انستیتو گوته	۱۲۹
انجمن فرهنگی اتریش	۱۳۰
مرکز زبان فرانسه	۱۳۱
شورای فرهنگی بریتانیا	۱۳۱
مراکز آموزش زبان جهاد دانشگاهی	۱۳۲
کانون زبان ایران	۱۳۲
مؤسسه زبان کیش (مؤسسه علوم و فنون کیش)	۱۳۳
مؤسسه آموزش زبان سفیر گفتمان	۱۳۳
مؤسسه شکوه	۱۳۳
بر آیند سخن	۱۳۷
منابع و مآخذ	۱۳۹
نمایه	۱۵۷

مقدمه

ایران زمین در طول تاریخ و از دیرباز تا به امروز، همواره توجه فرمانروایان و مردمان ساکن در دیگر سرزمین‌ها را به خود جلب کرده است. این مهم ریشه در عواملی چند دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

۱. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک ویژه ایران: سرزمین ایران از سویی دارای کمترین فاصله با نقطه اتصال سه قاره مختلف آسیا، اروپا و آفریقا است و از این جهت بسیاری از دانشمندان روزگاران پیشین اطلاق عنوان‌هایی چون دل دنیا و مرکز جهان و وسط آبادانی عالم^۱ را به درستی زینده آن پنداشته‌اند و از دیگر سوی به سبب همجواری با خلیج فارس و دریای عمان راه دسترسی به آن از طریق دریاهای آزاد به راحتی میسر است.

۲. موقعیت تجاری فوق‌العاده و ژئواکونومیک خاص ایران: قرار گرفتن ایران در مسیر راه ابریشم که مراودات تجاری در قلمروی گسترده‌ای در حد فاصل خاور دور تا اروپای باختری و از چین تا بریتانیا از طریق آن صورت می‌گرفت، واقع شدن آن در مسیر جاده ادویه که ارتباطات بازرگانی جنوب شرق آسیا و هند را با دنیای غرب ممکن می‌کرد و همچنین کشف بزرگ‌ترین ذخایر منابع انرژی جهان در خلیج فارس در سده‌های اخیر از منظر اقتصادی باعث اهمیتی روزافزون ایران بوده است.

۱. میرخواند بلخی، روضة‌الصفا، ص ۱۱۴.

۳. پویایی و دیرینه‌سالی فرهنگ ایرانی و توانمندی آن: ایران دارای فرهنگی غنی با پیشینه‌ای بسیار کهن است و تمدن ایرانی نه تنها از جمله قدیمی‌ترین تمدن‌های دنیا به شمار می‌آید بلکه از انگشت‌شمار مدنیت‌هایی است که، به رغم تمام فراز و نشیب‌هایی که در طول تاریخ تجربه کرده، همچنان پویا و سرزنده است. تقابل‌ها و تعامل‌های فرهنگی ایرانیان با مردمان لیدی، بابل، آشور، یونان، مصر، هند، روم و غیره در روزگار باستان و همکاری‌ها و هم‌اوردجویی‌های آنان با اعراب، عثمانیان، مغولان و در این اواخر با غربیان نشان از توانمندی فرهنگ ایرانی دارد.

۴. توانمندی نظامی - دفاعی حکومت‌های ایرانی: بر اساس منابع تاریخی، حکومت‌های ایرانی در بیشتر برهه‌های زمانی دارای قدرت نظامی بسیار بوده‌اند. حضور توانمندانه سپاهیان ایران چه در عهد باستان و چه در دوران اسلامی در عرصه کشورگشایی و دفاع از مرزهای ایران نشانی است بر راستی این پندار. در حقیقت، توانمندی نظامی حکومت‌های ایرانی در طول تاریخ بدان گونه بوده که ایران همواره از جمله کشورهای ابرقدرت دنیا و یا دست‌کم در زمره قدرت‌های برتر منطقه‌ای به شمار می‌آمده است.

نظر به موارد فوق، ایرانیان همواره با اقوام و ملل دیگر در ارتباط بوده و از این روی به جز زبان فارسی، به فراخور زمان، زبان‌های دیگری نیز در ایران کاربرد داشته‌اند. روشن و آشکار است که پژوهشگران تاکنون، آن گونه که باید و شاید، به موضوع زبان‌های خارجی رایج در ایران و تحولات آن‌ها در طی ادوار تاریخی ایران توجه نداشته‌اند و از این روی تا به امروز نه محققان ایرانی و نه دانش‌پژوهان غیر ایرانی هیچ گونه اثر جامع و کاملی که به بررسی سیر زبان‌های خارجی در ایران و دگرگونی‌های آن‌ها در گذر از تاریخ این کشور بپردازد را نگاشته‌اند و هر آنچه در این باره نوشته شده است یا به بررسی زبانی خاص چون انگلیسی یا عربی اختصاص داشته و یا آنکه تنها به دوره خاصی از تاریخ ایران و به ویژه روزگار معاصر محدود شده است. به این سبب، بر آن شدیم تا پژوهشی جامع و همه‌جانبه در این باره انجام دهیم، تحقیقی که به روشنی نشان دهد که در دوره‌های مختلف تاریخ ایران کدام یک از زبان‌های خارجی کاربرد داشته و هر یک در رهگذر زمان چه تحولاتی را شاهد و ناظر بوده‌اند.

در راستای نیل بدین هدف، به دلیل ماهیت اکتشافی و زمینه‌ای پژوهش از هر گونه فرضیه‌پردازی دوری گزیدیم، اما با توجه به داده‌ها و آگاهی‌های موجود از دوره‌های تاریخی ایران، بر آن شدیم تا پژوهش در قالب هفت فصل تقسیم کنیم و در هر فصل به تحولات رخ داده در زبان‌های خارجی در یک دوره خاص از تاریخ ایران بپردازیم. شایسته یادآوری است که مبنای این فصل‌بندی توجه به این نکته مهم بوده است که در هر یک از دوره‌های مورد بررسی، دگرگونی‌های گسترده و عظیمی در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره صورت گرفته و فرض بر این است که تحولات عمیق و ژرفی نیز درباره آنچه موضوع پژوهش است نیز رخ داده باشد.

بر این اساس، فصل‌های اول و دوم به ترتیب به ایران باستان و دوران اسلامی تا پیش از دوران مغول اختصاص یافته است، زیرا اگرچه در دوران ایران باستان سلسله‌های گوناگونی سر برآوردند و حتی در برهه‌ای از زمان، در پی هجوم اسکندر مقدونی، بیگانگان یونانی بر ایران استیلا یافتند، اما تنها در پی ورود اسلام به ایران بود که تغییراتی مشهود و چشمگیر در تمامی زمینه‌ها و عرصه‌ها به وجود آمد.

در ادامه، فصل سوم به بازه زمانی بین آغاز آن حمله مغول و پایان سلسله تیموری می‌پردازد، زیرا یورش مغولان چندان سهمگین، وحشتناک و غم‌انگیز بود که بنیان‌های تمدنی و فرهنگی دیرینه‌سال ایران را در آستانه اضمحلال و نابودی کامل قرار داد، اما ایرانیان یارای آن را یافتند تا خود را از این خطر دهشتناک و ازاره‌انند و به این ترتیب تا پایان دوره تیموری ثبات نسبی در عرصه‌های مختلف برقرار شد.

اختصاص فصل چهارم به بررسی تحولات زبانی در دوران صفوی، افشار و زند نیز از آن روی بود که صفویان از یک سوی پس از حدود نهصد سال توانستند ایران زمین را دگر بار یکپارچه و متحد سازند و از دیگر سوی مذهب تشیع را به عنوان مذهب رسمی کشور و حکومت ایران بشناساند، امری که در روزگاران آتی و از جمله در دوره‌های فرمانروایی افشاریان و زندیان نیز شاهد تغییر و دگرگونی چندانی نبود.

و اما فصل پنجم به بازبینی آنچه در دوران قاجار رخ داد می‌پردازد، زیرا این عهد با عصر استعمار و پیشرفت‌های همه‌جانبه غربیان و همچنین

گسترش روزافزون ارتباطات همه‌جانبه ایران و دنیای غرب مقارن شد و این در حالی است که ایرانیان آگاهی و آشنایی چندانی با جنس تحولات نوین نداشتند و در برخورد با تمدن جدید دچار گونه‌ای سردرگمی و بهت و حیرت شده بودند.

اختصاص ششمین فصل به واکاوی تحولات مرتبط در روزگار پهلوی نیز بدان سبب بوده است که مجموعه به هم پیوسته‌ای از تحولات گوناگون در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و همچنین در پیش گرفتن برخی سیاست‌های نوین از سوی سردمداران حکومت، تفاوت‌های عمده‌ای را بین ایران عصر پهلوی و ایران روزگار قاجاری به وجود آورد.

و در آخر، فصل واپسین به بازبینی آنچه در دوران جمهوری اسلامی رخ داده است می‌پردازد، زیرا به نظر می‌رسد که رویکرد این حکومت در روزگار پس از پیروزی انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ش (۱۳۹۹ ق/ ۱۹۷۹ م) به طور عمده در تضاد و مخالفت با آنچه که شاهان پهلوی در پی آن بودند شکل می‌گیرد.

فراهم آمدن این دفتر مرهون و مدیون راهنمایی‌ها و کمک‌های استادان، سروران و یارانی چند بوده است و این مقدمه، هر قدر هم کوتاه باشد، نمی‌تواند از عرض مراتب حق‌شناسی و سپاس به آنانی که در حصول این تألیف مدد رسان بوده‌اند خالی بماند، به ویژه بزرگواری‌ها و یاری‌رسانی‌های دوستان گرانمایه آقایان دکتر تورج تیموری و امین ناگلیانی، که دسترسی به برخی منابع تنها با بلندنظری شایان ستایش آنان محقق گردید، فراموش‌شدنی نیست. سپاس و سر تکریم فرود آوردن در برابر بذل توجه و عنایت این عزیزان کمترین کاری است که به جبران مهرورزی‌های بسیارشان می‌توان انجام داد.

مهدی دهمرده

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

و

امیر نعمتی لیمائی

فصل یکم

زبان‌های خارجی در ایران باستان

ایران‌زمین از پیشینه تاریخی دیرینی برخوردار است و از جمله نخستین و قدیمی‌ترین تمدن‌های شکل گرفته در تاریخ جهان به شمار می‌آید. شواهد تاریخی و باستان‌شناسانه مرتبط با وجود تمدن‌هایی چون تمدن‌های جیرفت، مارلیک، شهر سوخته، تپه گیان، زیویه و غیره نشان از قدمت هزاران ساله تاریخ ایران دارد. حکومت و تشکیل آن به عنوان یکی از مظاهر برجسته پیشرفت تمدن نیز سابقه‌ای طولانی در ایران دارد و البته باید یادآوری کرد که بحث مربوط به تحولات زبانی رخ داده در ایران‌زمین را تنها می‌توان همزمان با تشکیل حکومت‌ها پی گرفت، زیرا مجموع اسناد و داده‌های باستان‌شناسی مرتبط با موضوع یادشده تا پیش از تشکیل حکومت‌ها اندک و شاید بهتر است گفته شود چیزی در حد صفر است.

نظر به موارد فوق، تاریخچه زبان‌های خارجی در ایران باستان را می‌توان در چهار قسمت مجزای دوران پیش از هخامنشیان، عصر هخامنشی، روزگار سلوکی و اشکانی و عهد ساسانی مورد بازبینی و واکاوی قرار داد.

زبان‌های خارجی در دوران پیش از هخامنشیان

در روزگارانی که هنوز اقوام آریایی برای آن را نیافته بودند تا سلسله‌های خویش را بنیان نهند، ایلامیان، که خاستگاهشان جنوب غرب ایران و

مشهورترین پایتختشان شهر شوش بود، بر بخش بزرگی از فلات ایران حکم می‌راندند. تاریخ تشکیل حکومت‌های ایلامی، به رغم آنکه برخی نوشته‌های سومری اطلاعاتی چند دربارهٔ ایلامیان در سال ۲۶۸۰ پیش از میلاد آشکار داشته‌اند، چندان مشخص نیست. حضور حکومت‌های ایلامی در روشنایی نسبی تاریخ را می‌توان در سال ۲۵۰۰ پیش از میلاد و پس از آن پی گرفت. آنچه آشکار است، ایلام، به رغم تمام فراز و فرودهایی که در رقابت با تمدن‌های بین‌النهرین (میان‌رودان) تجربه کرد، تا حدود سدهٔ هفتم پیش از میلاد که به تقریب با اتحاد دو قوم آریایی پارس و ماد همزمان شد ماندگاری یافت.^۱

متأسفانه بسیاری کسانانی که به نادرست گمان می‌کنند که سرآغاز تاریخ سلسله‌های ایرانی را باید از هنگامی که دیاکو، سلسلهٔ آریایی ماد را بنیان نهاد برشمرد و ایلام را اگر نه حکومتی غیر ایرانی دست‌کم سلسله‌ای باید پنداشت که چندان با هویت ایرانی همسو نبوده است. این برداشت اشتباه تا حد زیادی ناشی از آن است که ایلامیان از اقوام آریایی نبودند، اقوامی که کلمهٔ ایران نیز به مفهوم سرزمینی برای آنان است.^۲ تک‌خانواده بودن زبان ایلامی نیز در پیدایش چنین ایده و باوری بسیار مؤثر بوده است، زیرا هیچ گونه قرابتی میان زبان ایلامی با زبان فارسی باستان و دیگر زبان‌های هندواروپایی و حتی خانوادهٔ زبان‌های سامی وجود ندارد.^۳ با تمام این اوصاف، هیچ یک از دلایل فوق را نمی‌توان دلیلی بر بیگانه نامیدن ایلامیان پنداشت، زیرا آنان بومیانی بوده‌اند که از دیرباز در سرزمینی که بعدها ایران نام گرفت می‌زیسته‌اند. از این روی نام بردن از زبان ایلامی در زمرهٔ زبان‌های خارجی نیز امری علمی و البته خوشایند نخواهد بود. با وجود این، چون زبان ایلامی در برهه‌هایی طولانی در بخش‌هایی از ایران‌زمین رواج داشته است بهتر است تا دربارهٔ آن سخنانی چند گفته شود.

۱. رجبی، *هزاره‌های گمشده*، ج ۲، ص ۵۷.

۲. خاستگاه نژادی ایلامیان از جمله مباحثی است که هنوز تاریخ‌نگاران دربارهٔ آن به یک نظر واحد نرسیده‌اند و تاکنون هیچ نشانی دال بر پیوستگی آنان با یکی از اقوام شناخته‌شده یافت نشده است. برای آگاهی بیشتر در این زمینه ← بهزادی، «عیلام (قومیت، خط و زبان)»، *چیستا*، صص ۶۴۲-۶۴۳؛ و برای آگاهی بیشتر از تمدن و حکومت ایلام ← هینتس، *دنیای گمشدهٔ عیلام*.
۳. گون‌آلتای، «تمدن و فرهنگ ایلام»، وحید، ص ۳۱۳.

باید یادآوری کرد که زبان ایلامی، در درازای تاریخ دیرین خود، تحولات بسیاری را پشت سر نهاده است. حتی برخی پژوهشگران و کاوشگران تاریخ برای زبان ایلامی دوره‌های مختلفی شامل ایلامی باستان، ایلامی میانه، نو ایلامی و ایلامی هخامنشی را در نظر گرفته‌اند. خط ایلامی نیز نتوانست خود را از دگرگونی وارهاوند و در گذر زمان تغییرات عمده‌ای را به خود دید. بی‌شک نخستین خطی که مورد کاربرد ایلامیان قرار گرفت خط تصویری یا هیروگلیف بود که پیشتر توسط سومریان ابداع شده بود. این خط با گذشت زمان توسط ایلامیان ساده‌تر شد و به خطی هندسی (مخطط) مبدل شد. در طی قرن‌ها زبان ایلامی مؤلفه‌های خط میخی سومری - بابلی را نیز به خدمت گرفت و سرانجام نیز خود دارای خطی خاص با عنوان خط میخی ایلامی گردید.^۱



تصویر ۱. لوحه‌ای ایلامی

زبان ایلامی چنان اهمیتی یافت که حتی پس از حذف سلسله‌های ایلامی از صفحات تاریخ نیز توانست به حیات و موجودیت خود به عنوان یک زبان قدرتمند ادامه دهد.^۲ گفتنی است که امروزه اسناد و مدارک متعددی در

۱. برای آگاهی بیشتر از تاریخ تحولات خط ایلامی - بهزادی، «عیسلام (قومیت، خط و زبان)»، چپستا، صص ۶۴۶-۶۵۲.

۲. در فصل بعد بیشتر به این موضوع می‌پردازیم.

دست است که از رواج گسترده زبان ایلامی خبر می‌دهند. آجرهای مکتوب زیگورات یا معبد چغازنبیل گواهی بر درستی این مدعا است، زیگوراتی که در حدود سال ۱۲۵۰ پیش از میلاد در شهر دوراونتاش ایلام در نزدیکی شوش بنیاد نهاده شد و در سال ۶۴۰ پیش از میلاد به فرمان آشور بانی‌پال، فرمانروای آشور که توانست واپسین پادشاه ایلام، هومبان هالتاش، را در نبرد شکست دهد، ویران گردید. در این معبد بیش از پنج‌هزار آجر مکتوب به زبان ایلامی و خط میخی وجود دارد.^۱

به دلیل در دست نبودن اسناد و مدارک مطمئن، چند و چون شرایط دیگر زبان‌های خارجی در ایران روزگار ایلامی چندان مشخص نیست. با وجود این، می‌توان گفت که ایلامیان بسیاری، به ویژه از طبقه دبیران^۲، با زبان‌های دیگری چون زبان‌های رایج در میان مردمان بین‌النهرین آشنایی داشتند. این مهم از آنجا اثبات می‌گردد که خط‌های سومری، بابلی یا اکدی الگوی خط‌های ایلامی بوده است. در واقع، به تعبیر برخی از پژوهشگران، دبیران ایلامی هر آنچه از بین‌النهرین می‌گرفتند را به سلیقه خویش تغییر می‌دادند و از این روی تصویرنگاره‌ها (لوگوگرام) و ابهاماتی که همتایان آن‌ها در بین‌النهرین به عنوان بخشی از میراث سومریان حفظ کرده بودند را وانهادند و هوشمندانه همه امکانات خط میخی اکدی را بررسی و آن را ساده‌تر کردند و تا حد خط الفبایی پیش بردند.^۳ علاوه بر این، مردمانی که در بازه‌ای دوهزارساله با مردمان سرزمین‌های همسایه، از جمله تمدن‌های بابل و آشور، در تقابل و تعامل بوده‌اند قاعدتاً نمی‌توانسته‌اند به زبان آنان توجهی نداشته باشند. در تأیید این نکته باید افزود که اگر ایلامیان به زبان‌های دیگر آگاهی نداشتند، هرگز ستون سنگی حجیم و سنگین قانون‌نامه حمورابی^۴ را که در یکی از

۱. رجبی، هزاره‌های گمشده، ج ۲، ص ۶۷.

۲. دبیران، افراد آگاه و باسوادی بودند که اداره امور دیوانی و اداری حکومت را بر عهده داشتند. آنچه روشن است، دبیران نقش برجسته‌ای در سراسر تاریخ ایران ایفا کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر درباره دبیران و دستگاه دیوانی ایران در طول تاریخ — تنکابنی، «تطور تاریخی عناوین دبیر و دیوان»، نامه فرهنگستان، صص ۵۹-۷۲؛ خدیری‌زاده، «تعامل و تقابل حاکمیت و نهاد دیوانسالاری در تاریخ ایران»، مسکویه، صص ۵-۳۲.

۳. بهزادی، «عیلام (قومیت، خط و زبان)»، صص ۶۵۰ و ۶۵۱.

۴. حمورابی یکی از پادشاهان نامی بابل بود که از سال ۲۰۸۰ تا ۲۱۲۳ پیش از میلاد سلطنت

جنگ‌های خود با بابلیان به غنیمت گرفته بودند، به شوش انتقال نمی‌دادند.^۱ هفت قرن پیش از میلاد مسیح، دیاکو توانست مادها را که از اقوام آریایی بودند متحد سازد و سلسلهٔ ماد را در نواحی باختری ایران و به مرکزیت هگمتانه (اکباتان، همدان) بنیان نهد. این سلسله چند صباحی بعد قلمروی خود را به بخش بزرگی از فلات ایران و بین‌النهرین گسترش داد.^۲ دربارهٔ دانش و میزان آگاهی‌های مادها، که تا سال ۵۵۳ پیش از میلاد و تا هنگام قدرت‌یابی پارس‌ها (هخامنشیان) حکومت کردند، مدارک و شواهد چنان اندک است و بنابراین هیچ گونه اظهار نظر قطعی در این باره ممکن نیست. برای نمونه، تاکنون هیچ مدرک مستقیمی که بر آشنایی مادها با خط و کتابت دلالت کند به دست نیامده است.^۳ با وجود این، امروزه بسیاری از پژوهشگران بر آن باورند که بسیار غیر محتمل است که پادشاهی بزرگ ماد فاقد خط و کتابت بوده باشد.^۴ شواهدی چند نیز بر اثبات این مهم می‌توان برشمرد، از جمله می‌توان مطالب کتاب دانیال نبی و اشاره‌های او به کتاب پادشاهان ماد را گواه آورد.^۵ گزارش‌های هرودوت، مورخ یونانی تبار روزگار هخامنشی، مبنی بر آنکه مردمان مادی عرایض خود را برای شاه می‌نگاشتند، شاه عریضه‌ها را می‌خواند و حکم هر یک را می‌نوشت و به آنان باز پس می‌فرستاد، نمونه‌ای دیگر از این گونه شواهد و مستندات است که به طور غیر مستقیم وجود خط در میان مادها را اثبات می‌کند.^۶ پژوهشگر و مادشناس برجستهٔ روس تبار، دیاکونوف، نظری شایان توجه و تعمق در این باره ابراز داشته که به تقریب

→ کرد. وی مجموعه قوانینی را تدوین کرد و فرمان داد که آن را بر ستونی سنگی حک کنند. قانون‌نامهٔ حمورابی را نخستین قانون اساسی نوشته‌شده توسط جوامع انسانی در طول تاریخ می‌دانند. باید یادآوری کرد که اصل این ستون سنگی، که در شوش یافت شده است، امروزه در موزهٔ لوور پاریس قرار دارد، اما نسخه‌بدل آن را می‌توان در موزهٔ ملی ایران مشاهده کرد.

۱. پیرنیا، *تاریخ ایران باستان*، ج ۱، ص ۱۲۹.

۲. تاریخ دقیق تشکیل سلسلهٔ ماد مشخص نیست و با توجه به کمبود منابع و اسناد نمی‌توان به برداشت دقیق و مطمئنی در این باره رسید. تنها می‌توان با اطمینان گفت که مادها در حدود سال ۷۰۰ پیش از میلاد سلسلهٔ خویش را پی افکنده بودند.

۳. دیاکونوف، *تاریخ ماد*، ص ۳۳۹.

۴. همان، ص ۳۴۰.

۵. بیژن، *سیر تمدن و تربیت در ایران باستان*، ص ۱۲۴.

۶. برای آگاهی بیشتر در این باره — هرودوت، *تواریخ*، صص ۶۹ و ۷۰.

مورد تأیید دیگر پژوهشگران نیز قرار گرفته است:

خط میخی پارسی باستانی با خط میخی بابلی و ایلامی تفاوت بسیار دارد و با اینکه محتملاً با دیگر خطوط آسیای مقدم منشاء مشترکی دارد، ولی آن را نمی‌توان مستقیماً مأخوذ از آن‌ها برشمرد. تعبیر کلام آن است که چند حلقه فاصل بر ما مجهول است و بیشتر گمان می‌رود که خط میخی مادها جزء این حلقه‌های فاصل و مجهول بوده است. به عبارتی، پارسیان خط میخی را از مادها اخذ کردند، با توجه به اینکه زبان کتیبه‌های هخامنشی حاوی لغات مادی فراوانی است.^۱

در تأیید این باور دیاکونوف، همان بس که استرابون، جغرافیدان معروف و مشهور روزگاران باستان یونان، نیز بر الگوبرداری آنان از روش‌های تعلیمی و تربیتی مادها تأکید داشته است.^۲

آنچه روشن است، اگر نظر دیاکونوف درست پنداشته شود، آن‌گاه می‌توان گفت که مادها به زبان‌های خارجی‌ای که در سرزمین‌های همسایه رواج داشته است آگاهی داشته‌اند. گزارش‌های مورخان کلاسیک آن روزگار از انعقاد پیمان‌نامه‌هایی میان پادشاهان ماد و فرمانروایانی همچون شاهان بابل^۳ و لیدی^۴ خود به گونه‌ای مؤید این مهم است که نه تنها خط و کتابت در

۱. دیاکونوف، تاریخ ماد، ص ۳۴۰.

۲. بیژن، سیر تمدن و تربیت در ایران باستان، ص ۱۲۷.

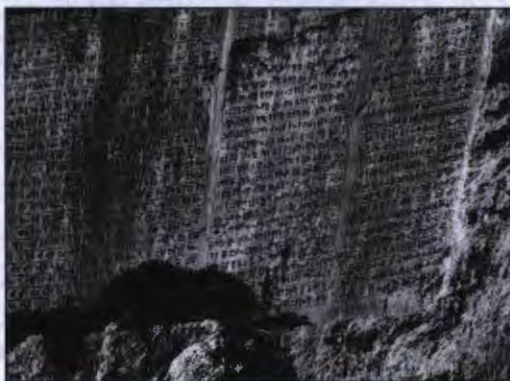
۳. برابر با تاریخ، در روزگار فرمانروایی هئوخستره، مادها و بابلیان با یکدیگر متحد شدند و بر آشور حمله بردند و توانستند، ضمن فتح نینوا، اسباب نابودی همیشگی دولت آشور را فراهم آورند. در پی این پیروزی بزرگ در ملاقاتی که میان پادشاه ماد، هئوخستره، و فرمانروای بابل، نبوپولسر، صورت گرفت، ضمن عقد پیمان دوستی مقرر شد که، برای تحکیم عهد، دختری از خاندان هئوخستره به عقد ازدواج نبوکد نصر، پسر نبوپولسر، درآید. برای آگاهی بیشتر ← زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۱، صص ۹۹ و ۱۰۰.

۴. بر اساس آنچه منابع تاریخی به دست می‌دهند، پادشاه ماد، هئوخستره، پس از سقوط دولت آشور و عقد پیمان دوستی با حکومت بابل، درگیر جنگی طولانی مدت و چندساله با دولت لیدی شد. نبردها نتیجه‌ای در بر نداشت. سرانجام، به سبب آنکه در هنگامه یکی از جنگ‌ها خورشید گرفتگی رخ داد، طرفین درگیر آن را نشانی بر ناخرسندی خدایان شمردند و پای از درگیری پس کشیدند. با حکم شدن پادشاهان کیلیکیه و بابل، پیمان‌نامه صلح میان پادشاهان ماد و لیدی منعقد شد، رود هالیس (قرز ایرماق) مرز میان دو دولت شد و دختر پادشاه لیدی، اروئه‌نیس، به عقد ازدواج ولیعهد ماد، آستیگ، درآمد. برای آگاهی بیشتر ← پیرنیا، تاریخ ایران باستان، ج ۱، صص ۱۹۹ و ←

میان مادها مرسوم بوده بلکه دست‌کم شماری از مادها به زبان‌های خارجی تسلط کافی داشته‌اند.

زبان‌های خارجی در دوران هخامنشی

در سال ۵۵۳ پیش از میلاد، پارسیان تحت رهبری کوروش بزرگ پس از سلسله نبردهایی چند آستیاگ، واپسین پادشاه ماد، را وادار به تسلیم کردند و هگمتانه (اکباتان، همدان) را مسخر ساختند. این مهم به معنای فرو افتادن سلسله ماد و جایگزینی سلسله هخامنشی به جای آن بود.^۱ هخامنشیان، در مدت‌زمانی نسبتاً کوتاه و در پی فتوحات پی‌درپی کوروش بزرگ و جانشینان او (کمبوجیه، داریوش بزرگ و حتی خشایارشا)، توانستند بزرگ‌ترین امپراتوری جهان باستان را تشکیل دهند، امپراتوری وسیعی که تنها بر کل فلات ایران تسلط نداشت بلکه مرزهای آن از یک سو تا به چین ادامه داشت و از دیگر سوی مقدونیه در اروپا را در بر می‌گرفت و همچنین هندوستان و بخش بزرگی از قاره آفریقا چون سرزمین‌های مصر، لیبی و سودان امروزی را نیز شامل می‌شد.



تصویر ۲. کتیبه سه‌زبانی (پارسی باستان، بابلی و ایلامی) متعلق به پادشاه هخامنشی، خشایارشا، که در نزدیکی شهر وان ترکیه امروزی قرار دارد.

→ ۲۰۰؛ زرین کوب، *تاریخ مردم ایران*، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۳.

۱. برای آگاهی بیشتر درباره قدرت‌یابی پارسیان و چگونگی تشکیل سلسله هخامنشی ← برهمن، *تاریخ امپراتوری هخامنشیان؛ از کوروش تا اسکندر*، ج ۱، صص ۱۰۱-۱۰۵.